

و عوامل اتصال انسان به عالم غیب است و فقط این خواب‌ها قابل تعبیرند. به‌عنوان نمونه می‌توان به خواب‌هایی که رسول‌خداﷺ دیده‌اند و تعبیر شده‌اند اشاره کرد:

خواب پیغمبرﷺ قبل از فتح مکه که نویدبخش و بشارت دهنده فتح مکه بود که همین‌گونه نیز شد.

خواب ایشان مبنی بر اینکه بوزینه‌ها (بنی‌امیه) بعد از رحلتشان بر منبر او سوار می‌شوند و همین‌گونه نیز شد و حکومت به دست بنی‌امیه افتاد و بر منبر رسول‌خداﷺ بالا رفتند.

خواب پیامبرﷺ که از مسموم شدن امام حسن و شهید شدن امام حسین علیهما السلام خبر می‌داد و ...

بنابراین تمام خواب‌هایی که انسان می‌بیند، نمی‌تواند صحیح و دارای تأثیراتی در زندگی انسان باشد؛ بلکه برخی از این خواب‌ها منشأ شیطانی دارد و یا از تمایلات روحی انسان سرچشمه می‌گیرد. در ادامه، ذکر این نکته ضروری است که به هیچ‌عنوان خواب به‌طور مستقیم نمی‌تواند زندگی و سرنوشت انسان را عوض کند و هیچ‌گونه تأثیری به‌طور مستقیم در زندگی انسان ندارد؛ بلکه برخی از اقسام خواب می‌تواند، از برخی از حوادث آینده خبر دهد.

پس بهتر است به‌جای این‌که زندگی خود را بر پایه خواب و رؤیا بنا کنیم، با تلاش و پشتکار سعی کنیم، در برخورد با موضوعات مختلف زندگی با واقع‌نگری وارد عمل شویم تا به حق دسترسی پیدا کنیم.

تأکید می‌کنیم که در کارهای حساس خصوصاً مسائل عقیدتی، خواب حجت نیست و باید سیر و فرایند منطقی و عقلایی طی شود.^۱

• نتیجه

نظر به اینکه خواب اقسامی دارد و همه آنها صادق نیستند؛ بلکه برخی از آن‌ها دروغ یا معلول اهتمام فکری انسان پیرامون موضوعی خاص در بیداری هستند؛ لذا بسیاری از آن‌ها حجت نیستند و در امور مهم و اعتقادات، نمی‌توان به آن تمسک جسته و از آنها بهره برد.

- منبع: مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه
- پی‌نوشت‌ها**
 ۱. منتظری، علی «خواب و رؤیا، ص ۵۰، نشر هستی‌نما، ۱۳۸۳؛
 ۲. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالانقلین، ج ۲، ص ۴۲۹، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۷۳؛
 ۳. خواب و رؤیا، ص ۶۷؛
 ۴. البته دانشمندان خواب دیدن و رؤیا را به چهار بخش تقسیم کردند: قبی، عباس، سفینه‌البحار، ج ۴، ص ۴۴۴، انتشارات سنائی، تهران، بی‌تا؛
 ۵. قرآنی، محسن، تفسیر نور، ج ۶، ص ۸۷، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۸۳ ش؛
 ۶. رک.کتاب تعبیر خواب، علی منتظری، نشر هستی‌نما.

حکم فقهی بود. بعدها در زمان مظفرالدین شاه قاجار بار دیگر با چنین شرایطی، علما به‌پشتوانه مردم، علمداران و حاضران صف اول نهضت مشروطه می‌شوند و در پی آنان مردم به عرصه اجتماع می‌آیند و با اولویت قرار دادن حکم فقیه، عملاً دستور سلطان را نه‌تنها تمکین نمی‌کنند؛ بلکه در صدد زیر سؤال بردن او برمی‌آیند. از آنچه که گفته شد، بر می‌آید که فی‌نفسه حکم سلطان مشروط به شریعت بوده است؛ اما باید دید که شرایط و اوضاع اجتماعی، اجازه تنفیذ این مشروطه بودن را می‌دهد یا خیر.

• دنباله نهضت تنباکو در دوران ما، نهضت امام خمینی علیه السلام

آنچه که در تحریم تنباکو و نهضت مشروطه اتفاق افتاد، این بود که عالمان شرایط را برای سلطه شریعت فراهم دیدند و سعی کردند، با درک واقعی و صحیح از حضور مردم، قشر همراه را با هدايتشان به سوی مرجعیت سوق داده و اصل مشروط بودن قوانین به شریعت را به منصفه ظهور برسانند. دنباله نهضت تنباکو در دوران ما، نهضت امام خمینی علیه السلام است که بار دیگر سعی داشتند، با بهره‌گیری از پایگاه اجتماعی، خیل مردم را به سمت سلطنت شریعت هدایت کرده و قانون را به شرع مقید کنند.

البته کیفیت راهبری مردم و نوع اعمال قدرت از سوی علما در این بازه تاریخی، متفاوت بود که اوج و نقطه کمال آن را می‌توان در پیروزی انقلاب به رهبری امام خمینی علیه جست؛ چراکه در آن برهه عاملیت فقه، از محدوده نظارت به شرایط حکومت تغییر پیدا کرد. این روند از دوره میرزا به‌شکل جدی ظهور پیدا کرد و در انقلاب خمینی کبیر علیه به اوج و کمال رسید.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

بین‌المللی در آبان ۱۴۰۱ برگزار خواهد شد. وی ارائه ۴۵۰۰ مقاله، چاپ ۲۰ کتاب مرجع و ۳۰ کتاب از مقالات برتر همایش را، بخشی از آثار علمی چهار همایش گذشته عنوان و اظهار کرد: ارائه الگوی دفاعی واحد برای نیروهای مسلح و ایجاد گفتمان دفاعی برای عموم مردم، از اهداف این همایش است.

گفتنی است، در پایان این نشست، تفاهم‌نامه همکاری علمی – پژوهشی بین جامعه‌الزهر علیهما السلام و دبیرخانه همایش بین‌المللی تبیین اندیشه دفاعی امام خاتمه‌ای امضا شد.



نمی‌تواند معتبر باشد؛ بلکه گاهی صادق و معتبر و گاهی کاذب و غیرمعتبر است.

(ب)رؤیای کاذب

این نوع از رؤیا دو قسم است: الف) ناشی از وسوسه‌ها و القانات شیطانی است. این به‌جهت ترساندن و ناراحت کردن انسان می‌باشد. در سوره مجادله، آیه ۱۰ اشاره به‌همین نوع رؤیاست که می‌فرماید: نجوی تنها از سوی شیطان است. می‌خواهد با آن مؤمنان غمگین شوند؛ ولی نمی‌تواند هیچ‌گونه ضرری به آنها برساند. (ب) ناشی از گناه و معصیت، پرخوری، پرخواهی، خستگی زیاد، بیماری، ترس و آشفتگی‌ها و بگو مگوهای روزانه و... است. خواب‌های آشفته و پریشان و پراکنده؛ البته دارای حقیقت هستند؛ ولی معتبر نمی‌تواند سر نخِ از آن را به دست آورد.^۵

(ج)رؤیایی که معلول اهتمام فکری انسان پیرامون موضوعی خاص در بیداری می‌باشد.

بر این اساس، آن نوع از خواب‌هایی که در اسلام از آن به رؤیای صادقه تعبیر می‌شود، نوعی الهام و به تعبیر روایات، جزئی از اجزای نبوت و یکی از وسائط

آیا خواب حجیت دارد و می‌تواند ملاک عمل یا ترک عمل قرار بگیرد؟

در حال بیداری از خطا و غفلت محفوظ و مصون هستند، در حال خواب نیز، از این امور مصونیت دارند؛ لذا رؤیای آنها حجیت دارد؛ البته خواب انبیا علیهم‌السلام متفاوت است. گاهی نیازمند تعبیر است؛ مثل خواب حضرت یوسف علیه السلام و گاه به تعبیر نیاز ندارد و عین واقعیت است. مانند خواب حضرت ابراهیم علیه السلام که مأمور می‌شود تا اسماعیل را ذبح کند؛ لذا خواب اولیای الهی از جمله راه‌های ارتباط با غیب می‌باشد.

اما رؤیای افراد عادی و غیرمعصوم، به‌طور عموم

برای پاسخ به این سؤال، توجه به چند نکته لازم به‌نظر می‌رسد.

از منظر قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام خواب دیدن (رؤیا) اهمیتت و جایگاه والایی در زندگی انسان دارد تا آن‌جا که قرآن کریم به ۹ خواب از خواب‌های انبیای الهی علیهم‌السلام و افراد عادی اشاره نموده و در مواردی تعبیر آن را نیز بیان فرموده است و روایات بسیاری نیز، بر اهمیت و نقش ویژه برخی از آن‌ها در زندگی انسان تأکید نموده و آن را در بردارنده الهام‌ها و بشارت‌های هدایت‌بخش الهی به انسان‌های صالح و شایسته معرفی کرده‌اند.^۱

۱. انسان وقتی به خواب می‌رود، «روح حیوانی» در بدنش باقی می‌ماند و «روح عقل» از بدنش خارج می‌شود. در واقع این روح عقل، به وسیله خداوند گرفته می‌شود و دیگر ارتباطی با حواس ظاهری بدن ندارد. خداوند این ارواح را در پیش خود نگه می‌دارد و اگر صلاح بداند، روحی برای همیشه قبض شود. آن را نگه می‌دارد و بقیهٔ ارواح برمی‌گردند. در این زمان که ارواح عقول آزاد هستند، می‌توانند بسیاری از وقایع آینده و الهامات الهی را ببینند. در این باره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: یا علی! هر بنده‌ای که می‌خواید، روحش به سوی پروردگار برده می‌شود. پس آنچه را در عالم ربوبی و در محضر پروردگار می‌بیند، حق است؛ سپس زمانی که خداوند عزیز جبار فرمان بازگشت روح به بدن را صادر می‌کند، روح بین آسمان و زمین قرار می‌گیرد و آنچه را بین آسمان و زمین می‌بیند، رؤیاهای آشفته و غیرقابل تعبیر می‌باشد؛ بر این اساس آیات قرآن کریم و روایات، صریحاً دلالت می‌کنند که خواب و رؤیا پدیده‌ای روحانی و نفسانی است که طی آن، ارتباط روح انسان با بدن وی کمتر می‌شود و روح به فرمان خداوند از عالم طبیعت به عالم ملکوت و عالم ربوبی منتقل شده و این توان و استعداد را پیدا می‌کند که به برخی از اسرار عالم و حوادث آینده آگاهی یابد که هر چه قابلیت و سعه وجودی روح بیشتر باشد، بهتر می‌تواند به حقایق عالم و خبرهای غیبی دست یافته و از آنها الهام گیرد و در غیر این صورت، در تعلقات و خاطرات مادی خود سیر می‌کند و جز رؤیاهای آشفته و بدون تعبیر نخواهد داشت.^۲

۲. پذیرش نکته پیشین به‌معنای پذیرش و قبول همه خواب‌ها نیست. در روایات رؤیا بر سه بخش تقسیم شده است^۳:

(الف)رؤیای صادقه

این رؤیا بشارت و مژده‌ای از طرف خداوند است. قابلیت تعبیر هم دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: رؤیای نیک، مژده و بشارتی از جانب خداوند است. رؤیای انبیا علیهم‌السلام از این امور است؛ چون همان‌گونه که آن‌ها



• ۱. وارستگی نفس منشأ همه کمالات

«شما باید خودتان را بسازید و بعد ملت را بسازید. خودسازی به اینکه تمام ابعادی که انسان دارد و انبیاء آمدند برای تربیت آن، تمام(آن) ابعاد را ترقی دهید؛ جنبه علمی، همه ابعاد علم؛ جنبه اخلاقی، همه ابعاد اخلاق؛ تهذیب نفس، وارسته کردن نفس، از تعلقات دنیا؛ که سر منشأ همه کمالات وارسته شدن نفس از تعلقات است. همه بدبختی هر انسان تعلق به مادیات است. تعلق نفس به مادیات، انسان را از کاروان انسان‌ها باز می‌دارد»^۱.

• ۲. علم و عمل دو بال برای پرواز روح

علم تنها اثر ندارد؛ بلکه گاهی مضر است. عمل بدون علم نتیجه‌ای در پی ندارد، علم و عمل دو بالی است که انسان را به مقام انسانیت می‌رساند»^۲.
خداى تبارک و تعالى علم را يکى از عبادات بزرگ قرار داده است، چنانچه جهت داشته باشد. جهت هم همان است که «اقرأ باسم ربک» در هيچ ملتی مثل ملت اسلام، از علم توصيف نکرده است. قرآن کریم در جاهای زياد از علم و از عالم و توجه به علم توصيف فرموده است... «طلب العلم فريضة».
خداى تبارک و تعالى به‌وسيله نبى اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است، بنابراین حديث، که طلب علم فريضة است و در بعض از روايات «فريضة على كل مسلم و مسلمة» [برای همه زن‌ها و مرده‌ها فريضة است. با علم است که انسان می‌تواند تأمین سعادت دنیا و آخرت را بکند. با آموزش است که انسان می‌تواند تربيت کند جوان‌ها را به‌طوری که مصالح دنیا و آخرت خودشان را خودشان حفظ کنند. اگر کشور ما علم را بياموزد، ادب بياموزد، جهت‌یابی علم و عمل را بياموزد، هيچ قدرتی نمی‌تواند بر او حکومت کند. تمام گرفتاری‌هایی که ما در این طول مدت تاريخ داشتيم، بهره‌برداری از جهالت مردم بوده است. جهالت مردم را آلت دست قرار دادند و بر خلاف مصالح خودشان تجهيز کردند. اگر علم داشتند؛ علم جهت‌دار داشتند، ممکن نبود که مخترين بتوانند آنها را به یک جهتی که بر خلاف آن مسیری است که مسیر خود ملت است، تجهيز کنند»^۳.

۳. اصلاح نفس قبل از اصلاح دیگران

«مبدأ همه خطر‌ها برای انسان خود آدم است و مبدأ اصلاح هم، از خود آدم باید شروع شود. نمی‌شود که یک واعظی که خودش اصلاح نشده، بتواند دیگران را اصلاح نماید؛ آن واعظی می‌تواند موعظه کند که در باطنش هم موعظه شده باشد و همین‌طور هر کس که می‌خواهد صحبت کند که چه می‌خواهد بگوید، آیا در این چیز رضای خدا هست؟ آیا دعوت به خودش هست یا دعوت به خدا؟»^۴

جناب عارف و شیخ عالی‌مقدار ما می‌فرمودند که: مواظبت به آیات شریفه آخر سوره (حشر) از آیه شریفه: «یا ایها الذین آمنوا اتقواالله و لتنظر نفس ما قدمت لغد...» تا آخر سوره مبارکه، که تدبر در معنی آنها در تعقیب نمازها و خصوصاً در اواخر شب که قلب فارغ‌البال است، خیلی مؤثر است در اصلاح نفس.^۵
اگر انسان از خود غفلت کند و در صدد اصلاح نفس و تزکیه آن برنیاید و نفس را سر خود بار آورد، هر روز، بلکه هر ساعت بر حجاب‌های آن افزوده شود و از پس هر حجابی حجابی؛ بلکه حُجُبی برای او پیدا شود تا آنجا که نور فطرت به‌کلی خاموش و منتفی شود و از محبت الهیته در آن اثری و خبری باقی نماند.

• ۴. دشمن‌شناسی

باید شیطان‌ها را بشناسید. تا نشناسید، نمی‌توانید دفاع کنید از خودتان. شیطان خودتان را بشناسید. شیطان باطن خودتان را بشناسید. شیطان‌های خارجی را هم بشناسید تا بتوانید با آنها جهاد کنید. شیطان باطنی انسان، خود آدم است. خود انسان. آن نفسیت انسان. آن هواهای انسان. اینها قشرهای شیطانی است در انسان. جنود شیطانند اینها. آن را تا نشناسد انسان، نمی‌تواند با آن مجاهده بکند»^۶.

و شیخ بزرگوار ما، جناب عارف بالله، شیخ محمدعلی شاه‌آبادی علیه السلام می‌فرمود: «محبت زیاد به دنیا سبب آن شود که در وقت خروج از دنیا که انسان دید به‌عیان که حق‌تعالی و ملائکه و سنده او، محبوب او را از او می‌گیرند، و او را از محبوبش جدا کنند، بالحبلة والقطرة غضبانک به آنها شود و با عداوت حق‌تعالی و ملائکه مقدّسه او از دنیا بیرون رود»؛ و قریب به این معنی در حدیث شریف کافی هست و ما در شرح اربعین این حدیث شریف را حدیث بیست و هشتم قرار داده، شرح نمودیم.

بالجمله، سخط و غضب بر حق‌تعالی و افعال او، از جنود ابلیس و جهل است و لازمه فطرت محجوبه است أعاذنا الله منه»^۷.

• ۵. توجه به حضور خدا در زندگی

«موعظه من به شما آقایان این است که شما در محضر خدا هستید؛ همه ما در محضر خدا هستیم. همین جا که نشسته‌ایم، با هم صحبت می‌کنیم، محضر خداست هستیم. همه پیش خدا هستیم، همه در علم خدا هستیم، خدا در همه جا هست.»^۸

• پی‌نوشت‌ها

۱. صحیفه امام خمینی علیه السلام، ج ۸، ص ۲۶۷؛
۲. صحیفه امام خمینی علیه السلام، ج ۸، ص ۲۶۷؛
۳. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۵۲؛
۴. همان، ج ۱۷، ص ۱۹۳؛
۵. نقطه عطف، ۱۹؛
۶. صحیفه امام جلد۱ صفحه ۳۸۵؛
۷. کتاب تهذیب نفس و سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی علیه السلام؛
۸. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۹۶ و ۳۹۷.

انعقاد تفاهم‌نامه همکاری

پژوهشی جامعه‌الزهر علیهما السلام

با همایش بین‌المللی

اندیشه دفاعی

امام خاتمه‌ای

اعضای ستاد برگزاری همایش بین‌المللی تبیین اندیشه دفاعی امام خاتمه‌ای با مدیر جامعه‌الزهر علیهما السلام دیدار و گفت‌وگو کردند.

به گزارش خبرگزاری حوزه، سرکار خانم سیده‌زهره برقی، در دیدار اعضای ستاد برگزاری پنجمین همایش بین‌المللی تبیین اندیشه دفاعی امام خاتمه‌ای، استفاده از ظرفیت مبلغان برای گفتمان‌سازی اندیشه دفاعی رهبر معظم انقلاب اسلامی را برای عموم مردم در کنار کارهای پژوهشی عمیق، بسیار ضروری دانست و گفت: در زمینه تبیین اندیشه‌های دفاعی رهبری از منظر فقه،

^[1] همایش با عنوان «تبیین اندیشه‌های امام خمینی علیه‌السلام در مواجهه با تحولات معاصر» برگزار خواهد شد

^[2] همایش با عنوان «تبیین اندیشه‌های امام خمینی علیه‌السلام در مواجهه با تحولات معاصر» برگزار خواهد شد